



۲۰۲۱/۱۰/۱۰



خلیل الله معروفی

یادداشت:

مقاله «افغانستان - گورستان جهانکشایان» را، که در ماه آگست نوشته و در صفحه عزیز «آریانا افغانستان» منتشر ساخته بودم، اینک در ساعت نیک از نظر خوانندگان ارجمند صفحه معظم «آریانا افغانستان آنلاین» نیز میگذرانم. (خلیل الله معروفی - جرمنی - ۸ اکتوبر ۲۰۲۱)

«افغانستان - گورستان جهانکشایان!!!»



«اوغان چل سال باد قصد خوده مگره!!!»

عنوان این مقاله را با دو ضرب‌المثل آراسته ام:

- یکی همان مقوله مشهور "Afghanistan ist The Graveyard of Empires" انگریزی، که معنای دقیقش "افغانستان گورستان امپراتوریها" است و من آن را بهتر دانستم به شکل "افغانستان - گورستان جهانکشایان" در آورم. این مقوله را، که سابقاً در خلال کتب تاریخ میخواندیم، اینک می‌رود، که آهسته آهسته ورد زبان خاص و عام جهانیان گردد و صبغت "ضرب‌المثل جهانی" را به خود بگیرد.

- و دوم عبارت است از یک مثل بسیار مشهور مردم قدیم و اصیل کابل.

"مثل" یا "ضرب‌المثل" را به انحاء و اشکال و در هیئتهای مختلف تعریف کرده اند. من مگر نظر و برداشت خاص خودم را در زمینه دارم، و آن مبتنی بر مطالعه و تحقیق است، که ضمن کاوش و بررسی زبان و فرهنگ و بالخاصه زبان و فرهنگ عوام کابل قدیم، میسر گشته است. یکی از ضرب‌المثلهای بسیار قدیم و مشهور مردم اصیل و نازنین کابل قدیم گوید:

«اوغان چل سال باد قصد خوده مگره!!!»

(افغان چل سال بعد قصد خود را میگیرد!!!)

درین مثل "اوغان" مراد از "پشتون" است و "قصد" هم منظور از "انتقام". پس اگر فحوای این مثل را با الفاظ دیگر بیان کنیم، به عبارت «پشتونها چل سال بعد انتقام خود را میگیرند!!!» میرسیم. عدد "چل" درینجا ممثل یک مدت بسیار طولانیست. و اگر این مثل را به شکل متعارفتر و مفهومتر بیاریم، بدین فارمولبندی میرسیم:

«پشتونها هرقت باشد، بالآخره انتقام خود را میگیرند!!!»

و اگر به زبان عامیانه کابلی بگوئیم، این عبارت به دست می‌آید:

«پشتونها آخر نی، آخر، انتقام خود را میگیرند!!!»

منظور از این مثل اینست، که نباید کینه "پشتونها" را برانگیخت، چون ایشان هیچگاه از انتقام منصرف نمیشوند!!! به یاد آریم واقعه مرموز و مشکوک یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ - Nine Eleven را، که بهانه ای به دست اضلاع متحده امریکا یا "اتازونی" داد، تا بر سرزمین ما بتازد و "کشور آزادگان" را در اشغال نظامی خود درآورد. در آن زمان طالبان بیشتر از نود و پنج درصد افغانستان را تحت سیطره خود آورده و حکومت مطلقه "امر و نهی" را تشکیل داده بودند؛ و رهبر "القاعده"؛ یعنی "بن لادن" به حیث مهمان عالیقدری در نزد طالبان به سر میبرد. چون امریکا واقعه یازدهم سپتمبر را کار "القاعده" قلمداد کرده بود، با صدور "اولتوماتوم" از طالبان تقاضاء کرد تا "بن لادن" را به ایشان تسلیم بدهند و این کار برای "طالبان" ناممکن بود، چون نمیتوانستند "مهمان" خود را تحویل دشمنش بدهند!!! از همین سبب بهانه درست آمد و امریکا بر کشور ما تاختن گرفت. داستان از نظر نسل کنونی باربار و به کرات گذشته است و تکرارش لزومی ندارد

در زمانی، که قوای هوایی امریکا با طیارات ستراتژیک و مخوف B-۵۲ خود شمال افغانستان را فراشی میکردند، "دانلد رمزفلد" وزیر دفاع امریکا بود. در بحبوحه بمباردمان مواضع طالبان در شمال افغانستان، و در هنگامی، که طالبان به اصطلاح عوام کابلی، "مثل توت" به زمین میریختند، باری "رمزفلد" از روی ریشخند گفته بود:

«چه جنگوران شجاعی هستند، طالبان!!!؟؟؟»

و طالبان به قوای هوایی امریکائی میگفتند، که:

«اگه مرد استین، از طیاره بیائین پائین!!!»

به هر صورت صحنه های جنگ از نظرهای همه ما و شما گذشته است و ضرورتی به تکرار کردن آنها نداریم متعاقب بمباردمانهای بی امان، قوای قهار امریکائی به افغانستان سرازیر شدند و عساکر ممالک عضو ناتو و در واقع "نوکر امریکا"، از دمیشان!!!

اتازونی و قوای ناتو بیست سال تمام افغانستان را در اشغال نظامی خود داشتند و درین مدت از هیچگونه سفاکی و ددمنشی بی، که خاصه زور "بی قالب" متجاوزان بی‌آزم است، دریغ نکردند. با آن هم عقربه زمان به نفع طالبان چرخید و مقوله نویسنده امریکائی Ian Bremmer را تأیید کرد، که:

«اگر امریکائی ها "ساعت" داشتند، طالبان "وقت" داشتند!!!»

گذشت زمان و گردش لیل و نهار به نفع طالبان کار کرد و زمانی رسید، که دولت متجاوز امریکا مذاکرات صلح را به طالبان پیشنهاد کرد. همه شاهد بودیم، که مذاکرات دولت امریکا و طالبان در "دوحه" - پایتخت "قطر" - هژده ماه

آزگار را دربر گرفت و آخر الامر به امضای "قرارداد دوحه" منتهی گشت. درین قرارداد دو نکته جلی و بسیار نیرنگی را به چشم سر میبینیم:

- اول "زانوردن" امریکا در برابر طالبان، و تعهد بر این، که قوای امریکائی و ناتو در ظرف مدت معین از افغانستان خارج گردند. و همین نکته است، که شکست قطعی امریکا و ناتو را مسجل میسازد!!!

- و دوم این، که "امریکا" با امضای این قرارداد، "طالبان" را به حیث "مالکان اصلی افغانستان" به رسمیت شناخته و "قباله مالکیت" وطن ما را دودسته به دست ایشان داده و در واقع زمینه فتح افغانستان را مهیا ساختند. و چنان، که دیدیم "طالبان" افغانستان را گویا "به اشاره سر" فتح کردند!!!

باز و یکبار دیگر میبینیم، که وطن عزیز ما:

- «سرزمینی ست، که ایمان فلک در خطر است!!!»

- و «افغانستان گورستان امپراتوریاها ست!!!»

Ian Bremmer دانشمند و تحلیلگر سیاسی امریکائی، نکته اخیر را ضمن کاریکاتور ذیل، چه زیبا به نمایش میگذارد و با "زبان حال" و از طریق "طنز و طیره و کنایه" میگوید:

«سفر خوش به افغانستان!!!»

"یان برمر" تلویحاً میگوید، که بعد از "یونانیها" و "انگریزها" و "روسها" و "امریکائیها"، اینک نوبت مسافرت "چین" بدین سرزمین رسیده است، تا گورش کنده شود!!!



از ارجمند بیحد عزیزی، که این کاریکاتور را در اختیارم گذاشت و در واقع انگیزه نوشتن این مقاله را برایم داد، از صمیم قلب تشکر میکنم!!!

تبصره توضیحی:

در اصطلاح عام مردم افغانستان و خاصاً مردم کابل، "اوغان" (افغان) را معادل "پشتون" میدانند. البته نه تنها مردم کابل بلکه - غیر از پشتونها - دیگر تمام مردم افغانستان "افغان" را معادل "پشتون" میسمارند. باز هم البته باید گفت،

که این برداشت از کلمه "افغان"، از زمانه‌های بسیار پیش بدین طرف به ما به ارمغان رسیده است؛ چنان، که در اشعار بزرگانی چون "فرخی سیستانی" و "فردوسی توسی" میخوانیم.
"حکیم فرخی سیستانی" فرماید:

به گونه شل افغانیان، دُوپره و تیز

چو دسته بسته بهم، تیرهای بی سوفار

("شل" (به کسر شین) مراد از "نیزه کوچک" و "سوفار" مراد از "بیخ تیر" است، که در چله کمان گذاشته میشود) و "حکیم فردوسی توسی" هم در شاهنامه خود "افغان" را به مفهوم "پشتون" به کار برده است. چنان، که این نکته از داستان رزم "رستم زال" با "گک کهزاد افغان"، که در یک هزار بیت پرورش یافته است، به نکویی روشن میشود. ضمن یکی از مقالات بسیار قدیم و مطوّل تحت عنوان "افغان، افغانی، افغانستانی"، که در آرشیفهایم در پورتال معظم "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" قابل دسترس است، در زمینه به اشباع و اکتار سخن گفته ام.
و از طرف دیگر، وقتی ایرانیان در کتابهای تاریخ خود از "محمود و اشرف افغان" قصه میکنند، مرادشان از "محمود و اشرف هوتکی" است، که هر دو "پشتون" بودند

در هر صورت مُعادل و یا مُساوی شمردن کلمات "پشتون" و "افغان"، یکی از "اغلاط مشهور" بسیار بسیار مشهور و قدیم است، چون تحقیقات علمی و تاریخی و زبانشناسانه ثابت ساخته است، که "افغان" یک لقب رزمی و به معنای "سلاحشور سوارکار" و یا "سوارکار جنگجوی" بوده و مستقل از "قوم و تبار و نژاد" است

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۲۱ اگست ۲۰۲۱)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید